مجله‌ی بررسی‌های آمار رسمی ایران
سال ۲۹، شماره‌ی ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، صص ۱۳۳ – ۱۴۹

بررسی نقش مهاجرت روستائیان در پیدایش محلات اسکان غیررسمی (مطالعه موردی محله میر اشرف شهر اردبیل)

یوسف درویشی

استادیار گروه جغرافیای دانشگاه پیام‌نور

چکیده: یکی از معضلات شهرنشینی در شهر اردبیل تأثیر پدیده مهاجرت در شکل‌گیری سکونتگاه اسکان غیررسمی در این شهر است. روش تحقیق این پژوهش تحلیلی، توصیفی و میدانی می‌باشد. جمع‌آوری داده‌ها،روش کتابخانه‌ای و میدانی (پرسشنامه-مصاحبه) بوده و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل کیفی مقایسه‌ای با استفاده از تحلیل خروجی دادهای نرم‌افزارهای آماری SPSS، Excel بهره گرفته شده است. نتایج مقاله بیانگر این است که عوامل اقتصادی همچون کمبود اشتغال با ۴۱ درصد، کمبود امکانات و خدمات رفاهی با ۳۰ درصد، اشتیاق برای یافتن شغل پردرآمد با ۴۵ درصد و جاذبه‌های شهری با ۲۹ درصد مهمترین عوامل سکنی گزینی در مناطق اسکان غیررسمی(حاشیه‌نشین) میراشرف بوده‌اند.

واژگان کلیدی: مهاجرت، روستا، اسکان غیررسمی، اردبیل.

۱- مقدمه

مهاجرت جنبه پویای مردمان یک شهر و یک پدیده جمعیتی و اجتماعی می‌باشد. چرا که متناسب با آن می‌توان حرکات جمعیت را با متغیرهای سن، جنس، نژاد، ملیت، اشتغال، سطح آموزش رامورد ارزیابی قرار داد. تأثیر مهاجرت بر رشد جمعیت، اقتصاد و توسعه شهری هر کشور قابل ملاحظه است [۱۵].

نظریه وابستگی بر این عقیده است، که علل مهاجرت را نمی‌توان از آثار آن جدا کرد، زیرا مهاجرت از یک طرف معلول توسعه نابرابر است و از طرف دیگر عامل گسترش و تعمیق

دریافت: ۱۳۹۸/۳/۱۳، پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۱۴.

توسعه نابرابر است. این نظریه به عامل دافعه جمعیت باور دارند وعلت مهاجرت را نابرابری سطح توسعه روستا و شهر می‌دانند و مهاجرت را از یک طرف عامل تقویت توسعه‌نیافتگی منطقه مهاجرفرست واز طرف دیگر عامل تشدید نارسایی‌های منطقه مهاجرپذیر می‌داند. درست برعکس نظریه‌پردازان کارکرد باور، محققان وابستگی معتقدند مهاجر برساخت شهر اثر می‌گذارد و محیط شهری را پذیرای مهاجران کرده و آنها را درحاشیه شهرها به‌صورت بیکار جا می‌دهد [۸].

هنگامی که شهرقدرت جذب مهاجرین روستایی را در بخش‌های فعالیت اقتصادی و خدماتی را نداشته باشد، به‌دلیل عدم استفاده مطلوب از نیروی کار مهاجرین، بیکاری و مشاغل کاذب در شهرها افزایش می‌یابد و باعث رشد مناطق اسکان غیررسمی در شهرها می‌شود [۱۶].

مهاجرت یکی ازچهار عامل اصلی تغییر و تحول جمعیت است و به دلیل ماهیت خود می‌تواند علاوه بر تغییرات درازمدت و طولانی، آثار سریع و کوتاه مدت نیز در تعداد و ساختار جمعیت ایجاد کند.در دهه‌های اخیر توجه بیشتر دولت به توسعه و تحول شهرها و نتایج بدست آمده ازعوامل اقتصادی و اجتماعی حاصل از رشد سرمایه‌داری، علاوه بر رشد قابل ملاحظه‌ای که در کارکردهای تولیدی، صنعتی، تجاری، خدماتی و غیره در شهرها شده، بلکه با افزایش جاذبه‌های شهری و اختلاف سطح زندگی بین نواحی، باعث تشدید مهاجرت‌های روستایی به شهرها و نهایتاً تولد سکونتگاه‌های غیراستاندارد در پیرامون آنها شده است[۱۷].

یکی از علل مهاجرت‌های روستائی در ایران تفاوت سطح زندگی شهر و روستا است. کیفیت زندگی در مناطق شهری در مقایسه با سطح زندگی روستائیان بهتر و برخوردارتر است و همین امر یکی از دلایل گرایش تاریخی روستائیان به سکونت در شهر می‌باشد. هجوم روستائیان به شهر به علت وجود همین امکانات و برخورداری‌هاست و تا زمانی که این فاصله وجود داشته باشد، باید منتظر موج‌های مهاجرت از روستا به شهر بود [۵].

بررسی آمار و اطلاعات جمع‌آوری شده در مورد محلات اسکان غیررسمی شهر اردبیل، حکایت از آن دارد که، عامل اصلی و مهم شکل‌گیری این نوع سکونتگاه‌ها در این شهر ناشی از بالا بودن آهنگ مهاجرت‌های روستاییان منطقه به سوی این شهر است. هم اکنون جمعیتی بیش از ۵۰ هزار نفر در حاشیه‌ی شمال غربی درامتداد جاده مشکین شهراسکان گزیده‌اند. این جمعیت انبوه درطول سال‌های گذشته به اطراف شهر هجوم آورده و جذب

کانون‌های پرجمعیت شهری شده‌اند. عدم امکانات معیشتی ابتدایی نظیر آب آشامیدنی سالم، کمبود فرصت‌های شغلی در روستاها، خشکسالی‌های مستمر که باعث کاهش درآمد کشاورزان روستایی شده و درمقابل، وجود شغل‌های درآمدزا در بخش‌های خدمات شهری(مشاغلی همچون دستفروشی و...) که درآمد به مراتب بیشتری از فعالیت‌های کشاورزی را نصیب آنان می‌نماید، تحرک آنها را به سوی شهرها بیشتر کرده است.
براساس برآوردهای اولیه هم اکنون مناطق حاشیه‌نشین اردبیل۶۴۰۰۰ هزار نفر از جمعیت شهراردبیل را در خود جای داده است، که مبدأ ۶۵درصد مهاجرین زروستاهای اطراف استان می‌باشند.
سعی مادر این مقاله جهت رسیدن به نتایج مطلوب در روند پژوهشی تأکید بر این فرضیه است که عواملی دافع در روستا و جاذبه در شهری در استان اردبیل در تحریک مهاجرت‌های روستایی وشکل‌گیری اسکان غیررسمی، نقش مهمی داشته‌اند.

۲- مبانی نظری

محققین علل شکل‌گیری اسکان غیررسمی و به طور کلی مهاجرت را در چهارچوب الگوی رانش- کشش بررسی کرده و به توصیف عواملی نظیر فقر و نبود امکانات رفاهی- بهداشتی و از همه مهمتر کار و درآمد زیادتر در شهر پرداختند [۳]. برخی تحقیقات که در زمینه ساخت قومی، جمعیتی و خاستگاه‌های اولیه حاشیه‌نشینان به عمل آمده حاکی از آن است که تقریباً سه چهارم ساکنان محلات حاشیه‌نشین، مهاجران روستایی هستند که به‌خاطر عوامل رانش روستایی و دیدن زرق و برق شهری رو به سوی این مناطق آورده‌اند. پدیده‌ی مهاجرت و رابطه‌ی آن با سکونتگاه‌های غیررسمی و فرایند سازگاری مهاجران در شهرها بسیار پیچیده است، بیگانه بودن مهاجران روستایی با اصول اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زندگی شهری، پیامدهای گوناگون جمعیتی، رفتاری، اخلاقی وروانی دارد [۱].
در رابطه با مهاجرت‌های روستایی وعلل و عوامل آن و نقش آن درایجاد اسکان غیررسمی پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است.
پورآقایی در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی علل و عوامل مهاجرفرستی و مهاجرپذیری و خالی از سکنه شدن روستاهای استان فارس» نشان داد که مشکلات مربوط به زمین

کشاورزی و آب عامل اصلی مهاجرت از روستاهاست و در روستاهایی که اقتصادشان بر پایه باغداری است مهاجرفرستی کمتر است. روستاهایی که به دامداری اشتغال دارند غالباً مهاجرفرست بوده و به عبارتی دیگر مشکلات مرتع، دارو و درمان عامل عمده‌ای در مهاجرفرستی است [۳].

احمدی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان «بررسی گرایش به مهاجرت از روستا به شهر و عوامل موثر در آن» نشان داد که به دلیل پائین بودن نسبت جمعیت نقاط شهری به روستائی و عدم وجود ساختار اقتصادی و اجتماعی مناسب بافت شهری نقاط شهری نتوانسته‌اند مانع مهاجرت افراد به شهرهای ایلام و تهران شوند. در این شهرستان‌ها به دلایل بالا بودن شاخص نسبت وابستگی و فاقد یا کمبود امکانات رفاهی گرایش افراد به مهاجرت بیشتر بوده است [۲].

سیف‌الدینی تحقیقات جمعیت‌شناسی و جامعه‌شناسی مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران نشان می‌دهد به لحاظ جغرافیایی بیشترین سهم جمعیت اسکان غیررسمی که در تهران و دیگر کلانشهرها ایران اسکان یافته‌اند، که عمدتاً از جمعیت مهاجر تشکیل شده‌اند [۱۱].

در پژوهشی که توسط روستا و علیزاده باعنوان سیری بر پیدایش سکونتگاه‌های غیررسمی درایران با تأکید بر سیاست‌ها و راهکارهای ساماندهی در سال ۱۳۸۸ انجام گرفته، دلایل شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی در ایران به دو دسته دلایل ساختاری و دلایل غیرساختاری طبقه‌بندی شده است [۱۰]. در این پژوهش دو علت عمده در پیدایش اسکان غیررسمی نقش دارند؛ یکی به عدم تعادل‌های منطقه‌ای در کشور مربوط می‌شود که باعث مهاجرت و تقاضای ناگهانی و متمرکز مسکن در مراکز جمعیتی برگزیده‌ای می‌شود در حالی که آمادگی عرضه کافی مسکن رسمی در حد استطاعت مالی متقاضیان را ندارد.

ابراهیم‌زاده در نوشته‌های خود مبنی بر ایجاد شهرهای استان سیستان و بلوچستان در سال۱۳۸۰، عواملی نظیراشتغال، پراکندگی سگونتگاه‌ها، رشد شتابان جمعیت و ضعف بهداشت جامعه قلمداد می‌کند. [۱۳].

مهاجرت به عنوان پدیده‌ای مشکل‌ساز در شهرها، یکی از دلایل اصلی ایجاد و توسعه اسکان غیررسمی شمرده می‌شود. در کشورهای در حال توسعه، منابع محدود و نابرابری‌های طبیعی و جغرافیایی موجود، باعث تقدم بهره‌مندی بخشی از گروه‌های

اجتماعی و کنارگیری سایر گروه‌ها به ویژه مناطق روستایی می‌گردد. بخشی از جامعه که از مواهب اولیه توسعه بهره‌مند نشده‌اند [۴].

رشد شتابان جمعیت و تحولات ساختاری درنظام اقتصادی روستایی ایران که بعد ازسال‌های ۱۳۴۵ پدید آمد، سبب شد تا شهرها به‌ویژه شهرهای بزرگ به‌عنوان مقصد مهاجرت‌های مناطق روستایی کشور، جاذب مهاجرت‌های وسیع و گسترده‌ای کردند [۹]. در این میان، بیشتر مهاجران که توانایی مالی واقتصادی استقرار و سکونت درمحدوده‌ی رسمی شهر و پرداخت هزینه مسکن و اقامت در محدوده قانونی شهرهارا نداشتند، برای تأمین سرپناه خود به‌ویژه در شهرهای بزرگ به حاشیه‌ی شهرها روی آوردند. هر چند که شدت و حجم این مسأله در استان‌های کشور و شهرهای آنها بسته به شرایط اقتصادی و تمرکز صنایع متفاوت بود. [۱۲].

پدیده‌ی اسکان غیررسمی یکی از مهمترین مشکلات شهرهای بزرگ است. برآورد می‌شود یک هفتم جمعیت این شهرها در سکونتگاه‌های غیررسمی ساکن باشند. بنا بر این به نظر می‌رسد عامل اصلی شکل‌گیری این نوع سکونتگاه‌ها را می‌توان مهاجرت‌های سیل‌آسای روستائیان به این شهرها به شمار آورد. [۷].

بنا بر این در چند دهه‌ی اخیر شهرهای کشورهای در حال توسعه در معرض گسترش مهاجرت‌های روستایی به شهربوده‌اند، که تحت تأثیرگذار از اقتصاد کشاورزی به اقتصادی شهری و کاهش امکان اشتغال در نقاط روستایی باهدف دستیابی به فرصت‌های مطلوب‌تر اقتصادی، اجتماعی بوده است که اغلب این‌گونه افراد در بافت‌ها و سکونتگاه‌های غیررسمی شهرها مستقر شده‌اند، زاغه‌نشینی، حاشیه‌نشینی، اسکان غیررسمی، اسکان خودرو، اسکان نابهنجار و یا هر عنوان دیگر که برای این پدیده گذاشته شود، به هر صورت نوعی الگوی سکونت برای گروهایی ازجامعه فقیر شهرنشین است [۱۸].

گروه‌های مهاجر بیشتر دراثر نیروی دافعه در روستا و در بعضی موارد عامل جذب‌کننده شهرها، مهاجرت می‌کنند. زمانی که عامل پس ران شهری (هزینه سنگین زندگی) مختلف‌الجهت با دو نیروی پیشین، سدی بزرگ فراروی مهاجران به متن اصلی شهر قرار می‌دهد، هسته‌های اولیه سکونتگاه و مجتمع‌های خودرو پی‌ریزی می‌شود [۶].

۳- روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش، کاربردی و رویکرد تحقیقی آن روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد. روش جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مبانی نظری، روش کتابخانه‌ای و میدانی (پرسشنامه، مصاحبه، مشاهده) می‌باشد.
براساس آمار موجود تعداد جمعیت در محله میراشرف ۸۷۲۴ نفر معادل ۱۸۹۷ خانوار برآورد شده است. لذا حجم نمونه براساس فرمول کوکران معادل با۹۰ خانوار محاسبه شد و پرسشنامه بین این جامعه آماری به‌صورت تصادف توزیع و نتایج آنها با استفاده از نرم‌افزارهای spss و Excel مورد تحلیل اولیه قرار گرفت و در پایان با استفاده از روش کیفی استدلال مقاسه‌ای، تحلیلی استنباطی انجام پذیرفت.

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- محدوده مورد مطالعه و ویژگی‌های آن

محله‌ی میراشرف در قسمت شمال‌غربی شهر اردبیل قرار گرفته است، این محله که در مسیر قدیم مشکین شهر و بلوار وحدت فعلی واقع شده است، جزو آخرین محدوده‌های ساخته شده شهر در این قسمت محسوب می‌شود که از طرف شمال به اراضی کوره‌پزی، از غرب به اراضی زراعی و مسیر روستای اردوی،از جنوب به اسلام‌آباد- کاظم‌آباد و از شرق به ایران‌آباد و یحیی‌آباد ختم می‌شود.

محله‌ی میراشرف با وسعتی در حدود ۳۸/۱۰ هکتار در شمال غرب شهر اردبیل واقع شده است. از نظر توزیع کاربری بیشترین کاربری مربوط به کاربری مسکونی با حدود ۴۰/۴۷درصد، و اراضی بایر با ۳۰/۹۶ درصد است و کمترین درصد کاربری مربوط به کاربری‌های انبار، دامداری، تأسیسات می‌باشد [۶].
بافت مسکونی موجود در محله‌ی میراشرف می‌تواند در دو دسته قرار گیرد، دسته اول این بافت، بلوک‌های جنوب خیابان باهنر و شرق نهر آبیاری را شامل می‌شود و دسته دوم شامل بلوک‌های غرب نهر آبیاری و شمال خیابان باهنر می‌شود.
تفاوت این دو دسته در این است که دردسته‌ی اول ساختمان‌ها به صورت فشرده و کنار همدیگر ساخته شده است، به‌طوری‌که هیچ‌گونه مکان‌های خالی وجود ندارد. کوچه‌های

شلوغ و مملو از کودکان با معابر تنگ و باریک از خصوصیات این قسمت است (شکل ۱)

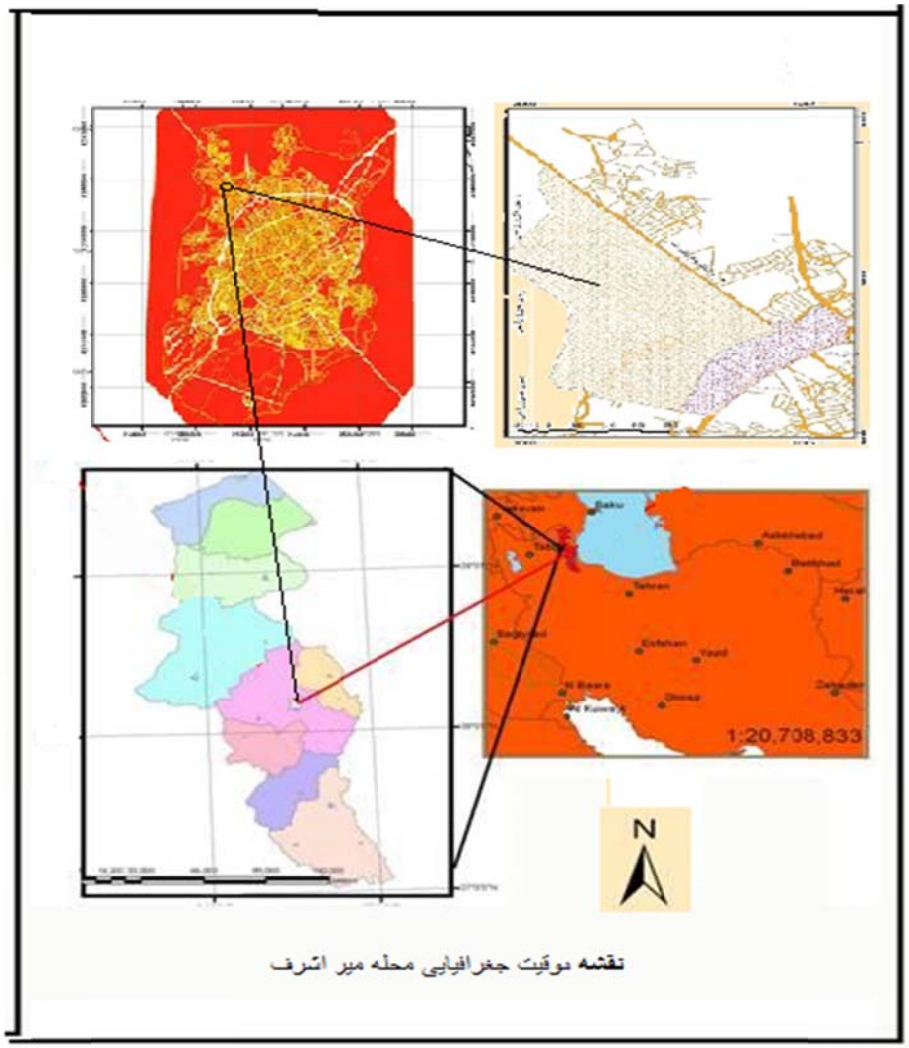

شکل ۱- نقشه موقعیت جغرافیایی محله میراشرف

شکل ۲ - دسته‌ی اول ساختمان ها به صورت فشرده و کنار همدیگر

در دسته دوم وجود فضاهای خالی و اراضی بایر در میان پلاک‌ها زیاد بوده و تنوع کمتری از هر حیث که در مورد قبلی اشاره شده، دیده می‌شود.
این قسمت شامل ناحیه و سمت گسترش میراشرف هم می‌شود که ساخت و سازهای جدید درآن ناحیه شدت بیشتری دارند و خلل موجود در بافت با توسعه وساخت‌سازی که در آن هست باید بیشتر مورد توجه و ضابطه‌مند باشد، تا از مشکلات بیشتر کالبدی جلوگیری شود.

در کل نامناسب وآسیب‌پذیر بودن وضعیت منازل مسکونی از لحاظ استحکام و دوام در برابر حوادث مانند زلزله، عدم توجه رعایت ضوابط و اصول شهرسازی، فرسودگی بناها و وجود جوی‌هایی پراز زباله که از وسط کوچه جاری است مناظر بسیار بدی را ازاین محله به نمایش می‌گذارد (بازدید میدانی).
از بعد اجتماعی اکثر ساکنین محله دارای اصالتی درون منطقه‌ای بوده و از شمال و شمال غرب استان یعنی آبادی‌های واقع در ناحیه مغان وشهرستان مشکین شهر به این مکان آمده‌اند. غالب بودن فرهنگ روستایی در بین ساکنین محله که آثار آن در تعاملات و میان کنش‌های اجتماعی روزانه ساکنین نیز دیده می‌شود، سبب شده که انسجام اجتماعی بالایی در بین ساکنین میراشرف حاکم شود. به‌طوری که از نظر برخوردهای چهره به چهره روزانه ساکنین در فضاهای عمومی محله، از احوالات همدیگر باخبر شده و مثل محیط‌های

روستایی کشور، همبستگی اجتماعی بالایی بین ساکنین محدوده برقرار می‌باشد. مطالعات میدانی انجام شده نیز نشان از میزان نسبتاً بالای تجانس و همبستگی ساکنین دارد. به‌طوری‌که ۶۶ درصد مصاحبه‌شوندگان اعلام کرده‌اند که درفعالیت‌های مشترک با همسایگان خود شرکت کرده و می‌کنند. به جهت مهاجرت‌های عشایری به این محله هنوز هم در بعضی از جاهای محله نگهداری و پرورش دام و طیور وجود دارد. تعداد کسانی که روزانه از این محله جهت خرید و فروش دام به مرکز خرید و فروش دام واقع در ۱۰ کیلومتری جاده اردبیل به مشکین شهر عزیمت می‌کنند، گویای این امر و نشانگر این است که مهاجران روستایی و عشایری به راحتی قادر به ترک عادات روستایی خود نیستند و هنوز تعداد زیادی از افراد این محله از طریق دامپروری و اقتصاد مبتنی بر دام و طیور امرار معاش می‌کنند.

شکل ۳- دسته دوم وجود فضاهای خای واراضی بایر درمیان پلاک‌ها

جمعیت محله میراشرف در طی ده سال اخیر با نرخ رشدی معادل ۲/۶ درصد، حدود ۱۹۷۳ نفر افزایش یافته و از ۶۷۵۱ نفر در سال ۱۳۷۵ به ۸۷۲۴ نفر در سال ۸۵ رسیده است. نکته قابل توجه این است که بعد خانوار جامعه مورد مطالعه از ۵/۹ نفر در سال ۷۵ به ۴/۶ نفر در سال ۸۵ کاهش یافته است، که این موضوع نشان از روند تدریجی

رواج نسبی خانواده هسته‌ای و به تبع آن کاهش حجم خانواده گسترده در محله دارد. بدین ترتیب که شمار خانواده‌های ساکن محله از ۱۱۴۴ خانوار در سال ۱۳۷۵ به ۱۸۹۷ خانوار در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. همان‌طوری که اشاره شد، قسمت قابل توجهی از این میزان ناشی از کم شدن بعد خانوار می‌باشد. در سال ۱۳۸۵ از مجموع جمعیت ۸۷۲۴ نفری میراشرف ۹۳/۹ درصد در سنین بالاتراز ۶ سال قرار داشته‌اند که ازاین تعداد ۷۳/۴۸ درصد باسواد بوده‌اند. این نسبت در بین مردان ۵۶/۹ درصد و در بین زنان ۴۳ درصد بوده است.

به طور کلی شکل‌گیری اکثر محلات اسکان غیررسمی کشور را باید درطول دهه ۵۰ جستجو کرد که درآمدهای نفتی بر جذابیت‌های کاذب شهرهای بزرگ ومتوسط کشور افزوده و همراه باتحولات ناشی ازاصلاحات ارضی درسطح روستاهای کشور که بی‌زمین و بیکار شدن عده زیادی ازساکنین روستایی انجامیده بود، سیر مهاجرت روستا – شهری کشور شروع شد که در طی آن جمعیت روستایی رانده شده ازفقر روستایی به شهرها هجوم آورده و در اثر ناتوانی درجذب نظام اقتصادی شهر و از آن ره فقدان استطاعت مالی رو به زمین‌های حاشیه‌ای شهر آورده و ساخت وسازهای بی‌ضابطه و غیراصولی را رقم زدند، که امروز تقریباً در محدوده تمام شهرهای کشور دیده می‌شوند.

سابقه‌ی شکل‌گیری میراشرف نیز از این قاعده پیروی کرده است. به‌طوری که تا قبل از سال ۱۳۵۵ هیچ اسمی از میراشرف دیده نمی‌شود و فقط در سرشماری این سال بود که با جمعیتی در حدود ۵۷ نفر شمارش شده است.

شهر اردبیل که از سال ۱۳۷۲ از استان آذربایجان‌شرقی جدا و خود تبدیل به یک استان مستقل شد. به علت مرکزیت اداری و سیاسی استان و سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته درآن، شروع به رشد و گسترش کرد، که نتیجه آن توسعه فیزیکی بدون برنامه، افزایش مهاجرت‌ها از نقاط مختلف استان،بورس بازی زمین شهری و گسترش محلات اسکان غیررسمی بوده است [۶].

اظهارات تنی چند از ساکنین اولیه‌ی محله حکایت از این دارد که بافت‌های اولیه در اطراف تپه تاریخی شکل گرفته است. در این مرحله از رشد محله که تا سال ۵۸ نیز ادامه یافته است. محدوده محله از سمت غرب و جنوب تپه شروع به گسترش کرده و در ادامه تا آغازین سال‌های دهه ۶۰ گسترش بیشتری یافته است. در واقع قسمت اعظم بافت محله تا اوایل دهه‌ی ۶۰ شکل گرفته و در ادامه تا اوایل دهه ۷۰ از سمت شمال و شمال‌غربی

گسترش یافته است. از سال‌های اولیه دهه‌ی هفتاد همزمان با کند شدن سرعت مهاجرت‌های روستایی، آهنگ گسترش فیزیکی محله نیز کاهش قابل توجهی یافته و در طول یک دهه و نیم اخیر در قسمت‌های اندکی از غرب و شمال غربی محدوده اتفاق افتاده است.

توزیع جمعیتی خانوارها محله میراشرف براساس داده‌های پرسشنامه بدین قرار است که ۷ درصد خانوارها ۲ نفره و شامل زوج‌های جوان می‌شوند، ۱۵درصد خانوارها ۳ نفره، ۱۶ درصد خانوارها ۴ نفره و ۲۲ درصد که وجه غالب توزیع جمعیت خانوار در کشور است، خانواده‌های ۵ نفره می‌باشند. همچنین به ترتیبی که ملاحظه می‌شود، ۱۴ درصد خانوارها ۶ نفره، ۱۳ درصد خانوارها ۷ نفره و ۸ درصد خانوارها ۸ نفره هستند. خانوارهای ۹ نفره ۳ درصد و ۱۰ نفره نیز ۲ درصد می‌باشد.

همچنین ۸۰ درصد سرپرست خانوارهای مهاجر به این محله بی‌سواد می‌باشند. تحصیلات سرپرست خانوارهای نمونه‌گیری شده، ۵۴ درصد سواد ابتدایی، ۱۵ درصد راهنمایی، ۶ درصد متوسط، ۵ درصد دیپلم و ۲ درصد دیگر لیسانس بوده است.

از نظر اقتصادی در حال حاضر اکثر شاغلین این محله (بالای ۸۰درصد) به صورت فصلی شاغل بوده و تعداد کارگرانی که در طول کل سال فعالیت داشته باشند، بسیار پایین است. یکی از دلایل عمده‌ی رواج کارگری در بین جمعیت فعال محله علاوه بر نبود بسترهای لازم و مهارت‌های کافی اهالی، تعطیلی دو کوره آجرپزی در شمال محدوده، اثر مضاعف داشته است.

به همین دلیل است که ۴۹ درصد از شاغلین محله به صورت فصلی مشغول به‌کار می‌باشند که با کسر عده قلیلی کشاورز که شغل آن‌ها هم فصلی محسوب می‌شود،عده زیادتری را کارگران روزمزدی تشکیل می‌دهد که حدود شش ماه از سال را بیکار می‌مانند. مهاجرانی که قبل از مهاجرت به شهر در حرفه‌ی کشاورزی و دامداری مشغول بوده‌اند اینک تنها منبع درآمدشان از طریق کارگری‌ها به‌ویژه در بخش ساختمان تأمین می‌شود و علاوه بر کارگری فصلی، زراعت در روستاها، نهادهای حمایتی، اجاره اتاق وکمک اقوام به ترتیب محل درآمد ساکنین بوده است.

طبق اطلاعات و داده‌های پرسشنامه، ۴۱درصد بیکاری، ۳۰درصد تحصیل فرزندان، ۵ درصد ازدواج و تبعیت از همسر و ۷ درصد جاذبه‌های شهری را جزو عوامل دافعه مهاجرت به شهر اردبیل عنوان کردند (شکل ۴).

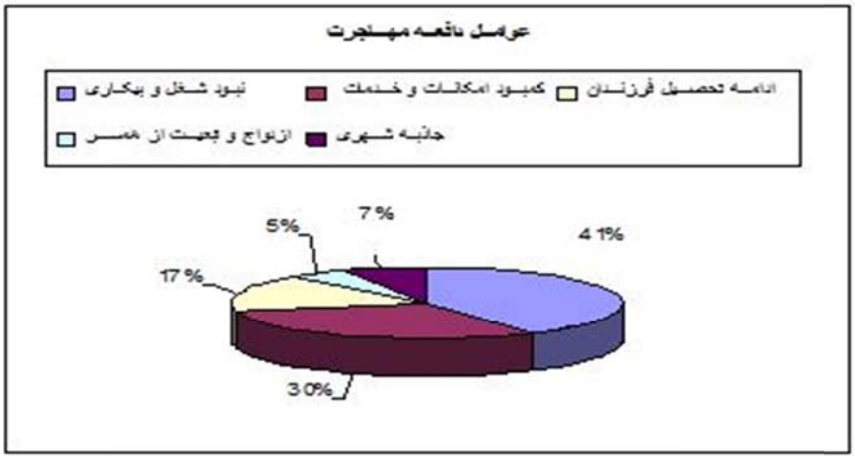

شکل ۴- عوامل دافعه مهاجرت به محلات اسکان غیررسمی شهر

اما در موردعوامل جاذبه شهری که باعث مهاجرت آنها به شهر اردبیل شده است، به ترتیب ۴۱ درصد عامل بیکاری، ۳۰ درصد کمبود امکانات روستا، ۱۷ درصد تحصیل فرزندان، ۵ درصد ازدواج (تبعیت ازهمسر)، ۷ درصد جاذبه‌های شهری درصد را به خود اختصاص داده است(شکل ۴).

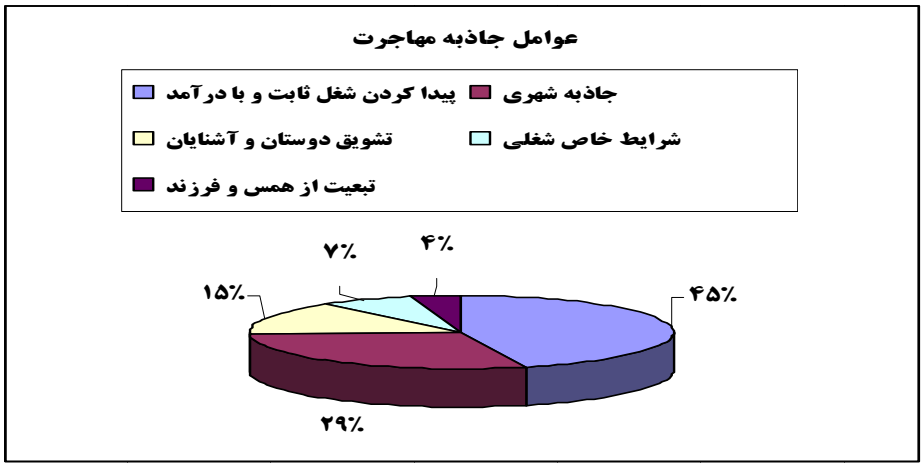

شکل ۵- عوامل جاذبه مهاجرت به مناطق اسکان غیررسمی

دلایل عمده مهاجرینی که ازداخل شهراردبیل به میراشرف نقل مکان کرده‌اند، به ترتیب ۷۵ درصد خانوارها، ارزانی زمین در میراشرف، ۸ درصد خانوارها گرانی زمین در سایر محلات شهر و تنها ۱۵ درصد از مهاجرین عامل دسترسی راحت و نزدیکی به محل کار برای زندگی عنوان کرده‌اند(شکل ۵).

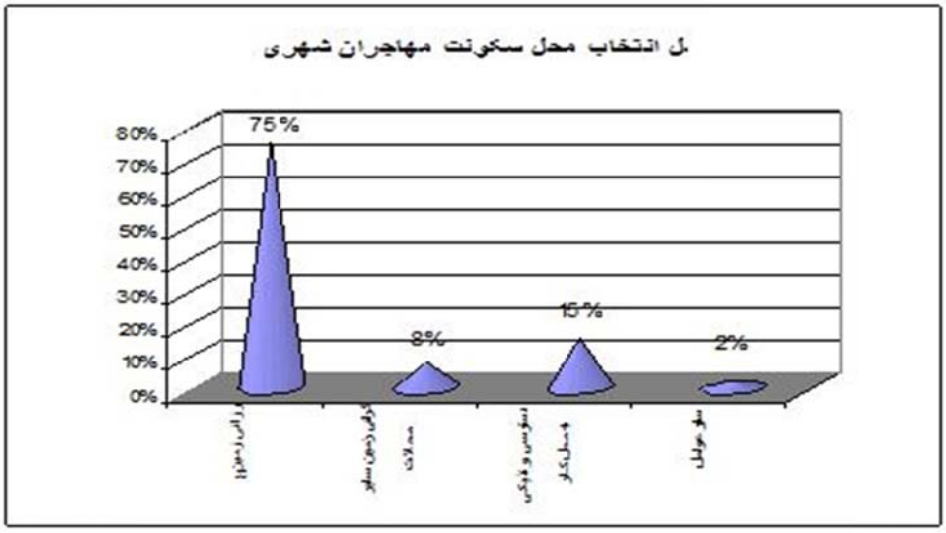

شکل ۶- دلیل انتخاب محل سکونت محله میراشرف

بر اساس اطلاعات پرسشنامه، حدود ۴۹ درصد از مهاجرین وارد شده به محله‌ی میراشرف از شهرستان‌های اردبیل، ۴۷ درصد از شهرستان‌های استان اردبیل و حدود ۴ درصد از سایر استان بوده‌اند، که ۳۸ درصد از مهاجرین این محله بین ۵ تا ۱۵ سال است که در آن ساکن هستند و همچنین ۲۱ درصد از خانوار ساکن در محله میراشرف از ۵ سال پیش تا کنون به این محله مهاجرت کرده‌اند، که این امر گویای آنست که هنوز هم مهاجرت به این محله ادامه دارد. بنا بر این محله میراشرف در دهه‌ی ۷۰ و ۸۰ بیشترین مهاجرت‌ها را به خود دیده است. حدود ۲۱ درصد از افراد محله اذعان داشتند که در دهه‌ی ۶۰ مهاجرت کرده‌اند و ۲۰ درصد افرادمحله خود را ساکنین اولیه محله میراشرف دانسته‌اند.

جدول ۱- مهاجرین وارده به شهر اردبیل از سال ۱۳۶۵- ۱۳۹۰(فیل و بعد از استان شدن)

سال	۱۳۷۵-۱۳۸۵	۱۳۸۵-۱۳۹۰	درصد رشد
مهاجرین وارده	۴۶۱۶۵	۱۲۰۲۰۰	۱۶۰

مأخذ: سالنامه آماری استان اردبیل۱۳۹۰-۱۳۶۵

براساس مبدأ مهاجرین،سهم شهراردبیل از مهاجران وارده شده ۳۳ درصد شهری۶۷ درصد روستایی و عشایری می‌باشد، این نشان‌دهنده مهاجرت زیاد روستایی بوده است. از آنجایی که استان اردبیل با توجه به موقعیت جغرافیایی از زندگی عشایری بهره‌مند است و این‌که بیشترین مهاجرین عشایر کوچنده هستند. لذا تا زمانی که دغدغه معیشتی عشایر محقق نشود، در نهایت به حاشیه‌نشینی درشهرها منجر خواهد شد.
هجوم مهاجران موجب ازبین رفتن هکتارها زمین مستعد کشاورزی در شهر اردبیل شده است. در پی متصل شدن روستاهای اطراف به شهراردبیل، زمین‌های بیشتری به ویژه در بخش‌های شمال و شمال‌غرب ازحالت کشت خارج شده است و تبدیل به مناطق اسکان غیررسمی گردیده است.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

براساس دیدگاه سیستمی هر فضای و چشم‌انداز جغرافیایی و هر محیط ساخته شده (از جمله شهر) یک سیستم مکانی- فضایی است که تحت تأثیر و هم پیوندی عوامل وعناصر مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و طبیعی درسطوح محلی، ناحیه‌ای و جهانی شکل گرفته است و توقف و شکوفایی اقتصادی، توسعه اجتماعی و کیفیت زندگی مردم شهرها با اوضاع مذکور ارتباط می‌یابد. شهر نیز یک کلیت سیستمی مکانی- فضایی است که دارای اجزاء و عناصر سیاسی اجتماعی، کالبدی و طبیعی است که درارتباط و تأثیرات متقابل باهم نقش عمده‌ای برکل سیستم دارند.
داده‌های شاخص، مهاجرت در شهر اردبیل بیانگر آن بود که مساحت شهر در یک دوره زمانی کوتاه رشد لجام گسیخته یافته است، در این روند غیرعادی باعث شد تا نزدیک به۱۲ روستا اطراف را درخود هضم نماید. برایند مؤلفه رشد جمعیت، گسترش مساحت شهر، افزایش سازمان‌های دولتی، واگذاری زمین‌ها با دخالت دولت، روند افزایش مهاجرت روستاییان به شهر، رشد شتابان شهرنشینی و افزایش میزان مهاجرت روستائیان

به شهرها مسئله اسکان غیررسمی را بوجود آورد، که پس از مطالعه انجام شده مشخص شد،که نزدیک به ۱۲۰ هزار نفر از جمعیت شهر اردبیل درمناطق اسکان غیررسمی سکونت دارند که اغلب مهاجر بوده و ۶۵ درصد از آنها از روستاهای استان مهاجرت کرده‌اند.

شاخص‌های آماری پژوهش مشترکاً بیانگر این واقعیت هستند، که استان شدن شهر اردبیل، به لحاظ سیاسی- اداری و استقرار بدنه دولت در شهر اردبیل و در نتیجه مهاجرت بی‌رویه به مرکز استان تشدید می‌شود.

با بررسی و تحلیل اطلاعات بدست آمده از پرسشنامه، مشاهده مستقیم و میدانی، در خصوص شکل‌گیری و پیدایش محله‌ی اسکان غیررسمی میراشرف به این نتیجه می‌رسیم که محلات اسکان‌های غیرر رسمی (حاشیه‌نشینی) میراشرف از مهاجرین مناطق روستاهای شهرستان اردبیل و سایر شهرستان‌های استان اردبیل از دهه‌ی۵۰ به بعد شکل گرفته و در دهه‌ی ۷۰ و۸۰ به دوران اوج خود رسیده است. بیشتر این مهاجران که قبل از مهاجرت در زمینه‌های کشاورزی و دامداری اشتغال داشتند، اما به جهت عدم درآمد کافی، خشکسالی‌های مستمر و نبود کشاورزی مکانیزه و ... زمین‌های خود را رها و برای بدست آوردن شغل ثابت و درآمد کافی وارد این محلات شهری شدند. بنا بر این عوامل دافعه نظیر کمبود شغل، کمبود امکانات و خدمات در روستاها و عوامل جاذبه‌ای چون شغل با درآمد کافی، جاذبه‌های شهری، تشویق و تحریک دوستان و آشنایان ساکن در شهرها گام‌های مهاجرت را تسریع بخشیده و این محلات را بیش از پیش گرفتار مشکلات و معضل‌های شهری می‌سازد. لذا برای پیشگیری از بروز مشکلات حاد در مناطح اسکان غیررسمی شهر اردبیل پیشنهادات زیر قابل بررسی است:۱)توسعه کشاورزی روستا ۲) توانمندسازی محیط طبیعی روستا و فعال کردن نیروی کار روستایی ۳) وضع قوانین سخت برای مهاجرین اسکان در مناطق اسکان غیررسمی.

مرجع‌ها

[۱] ابراهیم‌زاده، عیسی؛ نصیری، یوسف(۱۳۸۶). شهرنشینی شتابان؛ روندها و پیامدها، ماهنامه‌ی اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره ۲۳۷ و ۲۳۸، صص ۲۳۲-۲۴۱.

[۲] احمدی، وکیل (۱۳۸۳). بررسی گرایش به مهاجرت از روستا به شهر و عوامل مؤثر بر آن. پایان نامه کارشناسی ارشد جمعیت شناسی ، تهران، دانشگاه تهران.

[۳] پورآقـایی، عبـدا... (۱۳۸۳). بررسـی و تحلیـل اسـکان غیررسـمی در شـهر رشـت و راهکارهای مناسب برای بهبود روند آن، دانشگاه یزد، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری.

[۴] تودارو، مایکل (۱۳۶۶). توسعه اقتصـادی در جهـان سـوم (ترجمـه غلامعلـی فرجـادی)، سازمان برنامه و بودجه.

[۵] جمالی ، فیروز (۱۳۸۱). مهاجرت، شهرها و سازگاری مهاجران، نشریه دانشـگاه تبریـز، شماره ۱۸۲، صص ۶۱-۸۱.

[۶] حسینی، سیدمهدی؛ اشرفی، یکتـا؛ صـیامی عراقـی، ابـراهیم (۱۳۹۰). بررسـی رابطـه‌ی توسـعه‌ی مـالی و رشـد اقتصـادی در ایـران بـا معرفـی متغیرهـای جدیـد، فصـلنامه‌ی پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال نوزدهم، شماره ۶۰، صص ۱۹-۳۴.

[۷] درویشی، یوسف (۱۳۹۲). رشد شتابان شهری و آسیب‌شناسی کالبدی و اجتمـاعی شـهر اردبیل، رساله دکتری مرکز تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام‌نور.

[۸] رهنما، محمدرحیم؛ احمیان، محمـدعلی؛ محمـدیان، محمـد (۱۳۹۱). مـدیریت شـهری و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۱۸، صـص ۴۳-۷۴.

[۹] رستم‌علی‌زاده، ولی‌اله؛ قاسمی اردهایی، علی (۱۳۹۶). ماندن یا ترک کردن؛ چـالش‌هـای مهاجرتی جوانان روستایی. پژوهش‌های روستایی، دوره ۸، صص ۲۸۲-۲۹۹.

[۱۰] روستا، مجید؛ علیزاده، راضیه (۱۳۸۸). سیری بر پیدایش سکونتگاه‌های غیـر رسـمی در ایران با تأکید بر سیاسـت‌هـا و راهکارهـای سـاماندهی، مجموعـه مقـالات همـایش ملـی سکونتگاه‌های غیر رسمی، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

[۱۱] سیف الدینی، فرانک (۱۳۸۳). چارچوب برنامه‌ریزی روش‌گرا- ارتقـای سـکونتگاه‌هـای غیر رسمی شهری (مورد: مطالعه بندرعباس). پژوهشـهای جغرافیـایی، دوره ۳۶، شـماره ۴۹، صص ۱۴۷-۱۶۱.

[۱۲] صرافی، مظفر (۱۳۸۱). تحلیل عوامل مؤثر اسـکان غیـر رسـمی در ایـران، هفـت شـهر، شماره ۸، صص ۵-۱۱.

[۱۳] صدیق سروستانی، رحمتا... (۱۳۷۶). اسـکان غیررسـمی و امنیـت، همـایش توسـعه و امنیت عمومی وزارت کشور، جلد ۱.

[۱۴] کمانداری، محسن (۱۳۹۲). حاشیه‌نشینی و چالش‌های اجتماعی شهرها، اولین همایش ملی معماری پایدار و شهرسازی خشت اول.

[۱۵] محمودیان، حسین؛ قاسمی اردهایی، علی (۱۳۹۲). بررسی وضعیت مهاجرت و شهرنشینی در ایران. برنامه همکاری دانشگاه تهران و صندوق جمعیت سازمان ملل.

[16] Bonnes, M. and Bonaiuto, M. (2001). Environmental Psychology, from Spatial–physical Environment to Sustainable Development, Handbook of Environmental Psychology, John Wiley, inc, Newyork. 28- 54.

[17] Churchman, A. (2002). Environental Psychology and Urban Planning: Where Can the Twain Meet? Handbook.

[18] Stephenson, R., Matthews, Z. and Mcdonald, J.W. (2003) The Impact of Rural-urban Migration on under-Two Mortality in India. Journal of Biosocial Science, **35**, 15-31.

[19] Zeilhofer, P, Valdinir, T. (2008). GIS and Ordination Techniques for Evaluation for Environmental Impact in Informal Settlement: A Case Study from Cuiaba, Central Brazil, Applied Geography, **28**, 1-15.

یوسف درویشی
دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری
اردبیل، خیابان دانشگاه، دانشگاه پیام نور مرکز اردبیل، دانشکده علوم انسانی، طبقه دوم، گروه برنامه ریزی شهری.
رایانشانی: phddarvishi@yahoo.com